جام جم
موسیقی
MUSIC
۱۱
سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۲ شماره ۶۶۵۰

دست و پا زدن‌های در ابتذال محض

ساسی با انتشار آهنگ برادران لیلا که یک ابتذال محض است مقاصدی دارد که درنتیجه یک شکست در کارنامه‌اش رقم خورده است. او در این سال‌ها کنسرت مستقل چندانی را تجربه نکرد و در برخی اجراها نیز هو شد. تهیه‌کنندگان ریسک سرمایه‌گذاری روی این مهره را نمی‌کنند و موقعیت مردمی وی با ریزش دو میلیونی مخاطبانش به خطر افتاده است. ساسی، آهنگ جنتلمن را ۱۵ اسفند ۹۷ منتشر کرد، دکتر را ۱۳ اسفند ۹۸ و تهران، توکیو را در ۱۳ اسفند ۹۹ و از اسفند ۹۹ تا امروز، چند تک‌تراک بیرون داد که هیچ‌یک از آنها نگرفت. این‌که ساسی در این برهه، اقدام به انتشار تراک برادران لیلا کرده، چند علت دارد: نخست آن‌که بازده مالی این خواننده برای سرمایه‌گذاران و تهیه‌کنندگان کنسرتش به‌شدت افول کرده، چون کنسرت مستقل چندانی نداشته است. نکته بعدی به افول محبوبیت این خواننده در میان طرفدارانش برمی‌گردد، زیرا او در این سه سال، ریزش دو میلیونی



مخاطب را تجربه کرده است. انتشار آهنگ برادران لیلا آن هم ۹ ماه پس از انتشار این فیلم و منتشر کردن روزی ۱۰۰ دابسمش از آهنگ جدید در استوری اینستاگرامش، ازجمله بازی‌هایی است که وی در رویای شهرت و محبوبیت، به آنها متوسل شده. این همه نشان از آن دارد چنین خوانندگانی از ابتذال برای مدتی معروف شدن فقط استفاده می‌کنند و با این کار، ذهن نوجوانان ایرانی را هدف گرفته‌اند.

گفت‌وگوی «جام جم» با محمدرضا چراغعلی، آهنگساز باسابقه

جایگاه موسیقی حرفه‌ای؛ مبهم و نامعلوم!

نکوشیدیم موسیقی ایرانی را جهانی کنیم



علی مظاهری
گروه فرهنگ و هنر

هم‌سخنی با دکتر محمدرضا چراغعلی، آهنگساز و موسیقیدان نام‌آشنا در فضای بازشناخت میراث موسیقایی «ایران فرهنگی» و داشته‌های آهنگین این گستره فراجغرافیایی شکل گرفت. از بایدها و ضرورت‌هایی گفتیم که ناگزیرمان می‌سازد این گنجینه‌های مهم و تاثیرگذار را که در دامان تمدن ایرانی‌اسلامی پرورده شده و به بارویرگ نشسته، هرچه بیشتر باز بشناسیم و ارج نهیم. به‌ویژه که زمانه ما می‌طلبد که این داشته‌های آوایی را بیش از همیشه به طنین درآوریم و به گوش جهان برسانیم. هرچند این خواست و آرزو به‌آسانی، شدنی نیست؛ زیرا ناهمواری‌هایی در رهگذار پیشرفتش وجود دارد. این دست‌اندازها و سدها چیست که موسیقی فوق‌العاده و متعالی و تعالی‌بخش ایرانی را خموش ساخته و حتی از روحیه و انگیزه انداخته تا جایی که باعث شده خودمان هم با زیبایی‌ها و بی‌نظیری‌هایش بیگانه باشیم؟!

؟ جناب چراغعلی! درباره مسیری که موسیقی ما در این چنددهه پیموده، همچنین درباره خودتان به عنوان رهرو این راه پرمخاطب و تاثیرگذار چگونه داوری می‌کنید؟

این پرسشی است که نمی‌دانم چه پاسخی بدهم، واقعا پای حیا و آزرم وسط می‌آید. زیرا به خودم می‌نگرم و می‌اندیشم اگر در این مسیر، نام خودم را موزیسین می‌گذارم، باید تاثیرگذار باشم یعنی تالیف‌های خوب پدید آورده، پژوهش ژرف انجام داده و شاگرد خوب تربیت کرده باشم که دو سه بخش از این مولفه‌ها آنچنان که سزاوار بوده به سرانجام شایسته نرسیده، یعنی نه شاگرد خوب تربیت شده، نه پژوهش خوبی به انجام رسیده و نه تاثیرگذاری آن‌چنانی بر ساحت این هنر داشته‌ام. زیرا ناگزیر بوده‌ام فقط برای گذران زندگی کار کنم و در این میانه، هزارگاهی قطعاتی هم بوده که مردم پسندیده‌اند و گوش کرده‌اند. آنچه که به عنوان تاثیرگذاری در کار موسیقی و کلا حوزه فرهنگی از آن یاد می‌شود، به نظرم در همین چند حوزه است؛ تالیفات سترگ، شاگرد مبرز، پژوهش درست و تاثیرات متقابل که متاسفانه اکثر دوستان و همکاران ما به همان دلیل «غم نان» نتوانستند در حوزه‌های نام‌برده چنان که انتظار می‌رفت و سزاوار بود، کاری صورت دهند.

؟ احیای ایران فرهنگی با تکیه بر میراث مشترک و شناخت درست این داشته‌ها و روزآمد کردن‌شان ممکن می‌شود، از نقش و تاثیر موسیقی در این‌باره بفرمایید؟

زمانی تاثیرگذارترین فرهنگ بر دیگر کشورهای جاده‌ابریشم، ما بودیم. الان در راستای احیای فرهنگ جاری در جاده ابریشم از سوی دیگر کشورهای این جاده تاریخی چه تلاش‌ها که نمی‌شود! جالب آن‌که موسیقی موثر و اثرگذار این مسیر تجاری‌فرهنگی، همانا موسیقی ایرانی بوده که از دربار خاقان چین تا اروپا نواخته و شنیده می‌شد. برای احیای همان اثرگذاری خلاقه فرهنگ ایرانی بر اقوام و کشورهای این جاده، نخست باید وضعیت موسیقی در مملکت ما و جایگاهش مشخص باشد. نگاه بیرونی به موسیقی، نگاهی غیرمرتبط و غیرحرفه‌ای است، بی‌شک خط‌کشی‌ها و باید نبایدها، استقلال فکری هنرمند را از او می‌گیرد. جایگاه حرفه‌ای موسیقی در مملکت ما هنوز تبیین و روشن نشده؛ مثلا این‌که اصلا هنر محسوب می‌شود یا نه! ارجمند هست یا قابل احترام نیست و سرانجام، پهنای باند خط قرمزها تا کجا و چه اندازه است.

این مسائل اولیه که روشن شد، آنگاه می‌توان درباره چگونگی تعاملات فرهنگی و موسیقایی با دیگر کشورهای جاده ابریشم یا قلمرو پربرکت «ایران فرهنگی» سخن گفت.

؟ یاد داریم در نشست «نظام سیاست‌گذاری فرهنگی و موسیقی» که زمانی از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد؛ کارشناسان، مشکلات موسیقی ما را سیاسی دانستند نه فقهی؟!

ظاهرا آنچه عقل حکم می‌کند، همین است که مشکل موسیقی، شرعی نیست؛ بلکه مشکل سیاسی‌کاری است و به عبارتی مشکلی است که بدنه‌ای از حاکمیت با مقوله موسیقی دارند، زیرا موسیقی می‌تواند ابزار تعیین‌کننده‌ای در انتقال مفاهیم باشد و از این رو نگاه، سیاسی است نه شرعی.

همچنین انگار که موسیقی را تهدید به‌حساب می‌آورند به جای این که چنین هنر تاثیرگذاری را فرصت تلقی کنند. من فقط می‌توانم در جایگاه تولیدکننده موسیقی با شما گفت‌وگو کنم، چرا موسیقی محدودیت دارد و نمی‌توانم نظر جامع و مانع در این باره بدهم. یادم هست مجری در برنامه زنده تلویزیونی از من پرسید آرزوی‌تان چیست؟ گفتم آرزویم خنده‌دار است آیا می‌توانم عنوان کنم! با خنده تایید کردند. گفتم آرزو دارم پیانوی مرا هنگام نواختن از تلویزیون نشان بدهند. در این فضا که ۴۰۰ شبکه ماهواره‌ای از صبح تا شب مردم ما را بمباران می‌کنند، چرا خودمان هم به نوعی آب به آسیاب‌شان می‌ریزیم! اینها البته بیشتر، دردِدل کردن است. اگر من موزیسین، بهترین موسیقی را نیز تولید کنم تا زمانی که مدیا و رسانه نداشته باشم مخاطب گوش نمی‌سپرد. دولت است که باید زمینه ارائه اثر یعنی رسانه را فراهم سازد تا منِ تولیدکننده بتوانم موسیقی‌ام را به گوش مخاطب برسانم.

؟ با وجود کار و کوشش عواملی غیرقابل چشم‌پوشی مانند آهنگساز، نوازنده، تنظیم‌کننده، صدابردار و... چرا تنها خواننده بیشتر به چشم‌ها می‌آید. به عبارتی انگار همه چیز به پای خواننده نوشته می‌شود؟

این چنین روندی که بیشتر، خواننده را می‌شناسند؛ طبیعی است و ایراد نیست! خواننده مجری کار است. یکی از استادان، نکته‌ای را گوشزد کرده که پذیرفتنی است، یک آهنگ با تنظیم درجه یک و شعر ناب و عوامل حرفه‌ای نهایتا نمره‌اش می‌تواند ۱۲ باشد. در این میان مجری اثر، یعنی خواننده می‌تواند این درجه را به ۲۰ ارتقا دهد یا تا ۲ آن را پایین بکشد! به نظر من خواننده جایگاه مهمی دارد، مثل فضای سینما که چهره‌های جلوی دوربین را می‌شناسند و به آن همه عوامل پشت صحنه چندان توجهی نمی‌شود. در موسیقی نیز این چنین است. به‌هرحال خواننده جزء بسیار مهم کار و ویترین اصلی محسوب می‌شود، پس طبیعی است او را بیشتر بشناسند، واقعیت ماجرا همین است.

؟ با این همه رنگارنگی و تنوعی که موسیقی ایرانی دارد از شاخصه و چیستی موسیقی ما بگویید؟

در فضای ایران فرهنگی و احیای تعاملات دیرینه فرهنگی در زمینه موسیقی فرهنگ‌ساز که به ذهنیت نسل‌ها شکل می‌دهد، خود من پرسشی به میان می‌آورم؛ آیا سه شاخصه برای موسیقی ایرانی ـ اسلامی که این همه از آن دم زده می‌شود، می‌توان نام برد؟ شاید گفته شود بهترین ارائه‌ها و نمونه‌ها در کارهای حاج قربان و شاه‌میرزا و... شنیده و ادراک می‌شود. اینها موسیقی اقلیمی/ نواحی است، پس موسیقی ملی چیست و جایگاهش کجاست؟ اصلا من به‌عنوان مسئول اگر بخواهم در فلان کشور اروپایی، موسیقی ایران ـ اسلامی را معرفی کنم باید کدام آثار را ارائه دهم؟ مثلا امسال، سه اثر با شاخصه‌های پذیرفتنی تولید شده که قابل دفاع و ارائه باشد؟ موسیقی پاپ و ملی ما کجایش ایرانی است! سخن برمی‌گردد به نگاه اولیه در این گفت‌وگو، یعنی وقتی «موسیقی نواحی» غنی و قوی داریم اما خودمان نکوشیدیم تا ارائه‌اش بدهیم، نیندیشیده‌ایم و برنامه نریخته‌ایم که چگونه جهانی‌اش کنیم، در چنین زمان‌هایی برای ارائه چه خواهیم داشت! مثلا روی موسیقی تربت‌جام کدام کار ویژه‌ای انجام داده‌ایم که نتیجه و بهره‌اش را به این یا آن کشور متمدن ارائه کنیم که بشنوند و حظ کنند و بگویند واقعا موسیقی ما می‌تواند با چنین بستر و زمینه‌ای بین‌المللی باشد. متاسفانه چنین فعالیت‌هایی نکرده‌ایم و این زمینه‌ها را نپرورده‌ایم. هنر تهدید نیست فرصت است، اگر میزگردی با شرکت مسئولانی برگزار شود که منفعل نباشند و بتوانند پاسخگو باشند می‌توان به افق‌های روشنی چشم داشت.

؟ بارها در گفت‌وگوهای جام جم با بزرگان موسیقی، آنها بر این باورشان تاکید داشتند که هیچ کجای جهان با ایران قابل مقایسه نیست، از این نظر که هر گوشه‌اش موسیقی و ساز ویژه دارد؟!

دقیقا! اقلیم موسیقایی ما مانند اقلیم آب‌وهوایی‌مان خیلی متنوع و جذاب است اما افسوس که این گنجینه‌ها رها شده مانده، البته مقطعی انتشارات ماهور بخش‌هایی از این گنجینه منتشر کرد و یک مقطعی هم حوزه هنری کمک شایانی کرد و با جمع‌آوری و نشر موسیقی نواحی کاری صورت داد. در زمان کنونی دیگر چنین فعالیت‌هایی پی گرفته نمی‌شود؛ به نظرم بیشترین بخش موسیقی که مغفول واقع شده همانا موسیقی نواحی و موسیقی‌های ارزشمندی است که بخشی از گنجینه فرهنگی مملکت ماست. جالب آن‌که من یکی دو بار گذرا پرسیدم پس ادامه کارها و پیگیری‌ها؟! که پاسخ شنیدم: دیگر آرشیومان کامل است و چیز جدیدی هم که به اینها اضافه نمی‌شود! درصورتی‌که باید اینها به‌روزرسانی و با پکیج و بسته‌های مدرن‌تری آماده شود تا بتوانیم در سال‌های بعدی ارائه‌شان دهیم.

؟ انگار استادان موسیقی از نظر هنری دست‌نیافتنی به نظر می‌رسند، انگار ادامه نیافته و شاگردان والایی به‌جا نگذاشته‌اند که راه‌های تازه در موسیقی بگشایند، چرا؟

این مهم برمی‌گردد به این‌که با توجه به اوضاع اقتصادی و وضعیت معیشتی استادان موسیقی، نسل جدید بررسی می‌کند و می‌اندیشد آیا اعتبار اجتماعی استاد من چقدر است و تا کجاست. من نیز باید بسی بکوشم و برسم به درجه‌ای از جایگاه استادم؛ که به کجا برسم! این طبیعی است هنرجویان چنین دیدگاه‌هایی داشته باشند. فقط موسیقی نواحی ما نیست، سطح موسیقی کلاسیک و سمفونیک ما نیز بدین‌گونه است. در مقایسه با همین ۱۵ـ۱۰ سال گذشته، نوازنده‌ها و اجراها و همه چیز چقدر افت داشته؛ همه این‌چنین پرسشی دارند که من کوشا در موسیقی تخصصی آیا بهره‌ام از رفاه و اعتبار اجتماعی چیست و چه عایداتی خواهم داشت، هیچ! وقتی موزیسینی تصمیم می‌گیرد دلال پیچ و مهره شود تا وضعش بهتر و آبرومندتر شود زیرا زندگی‌اش از رهگذر موسیقی تامین‌شدنی نیست دیگر حدیث مفصل بخوان از این مجمل. چنین مؤلفه‌هایی دست به دست هم می‌دهد تا افت تخصصی و فرهنگی در موسیقی داشته باشیم اصلا دلم نمی‌خواست درباره این فضا صحبت کنم.

؟ در این بزنگاه، یک پیشنهاد نهایی می‌دهید؟

نخست باید وضعیت خودمان به‌عنوان موزیسین و جایگاه موسیقی مشخص شود.

جایگاه حرفه‌ای موسیقی در مملکت ما هنوز تبیین و روشن نشده مثلا این‌که اصلا هنر محسوب می‌شود یا نمی‌شود، ارجمند است یا قابل احترام نیست

برش

طنین‌های تازه

مجموعه‌ای را با همکاری محمد معتمدی در دست انجام داریم با فضایی مدرن‌تر. مثلا با این‌که سرتکه‌ای آواز «نوا» طراحی شده اما بسته‌بندی کار، کاملا امروزی و مدرن است به گونه‌ای که کوشیده‌ام از اصوات الکترونیک استفاده کنم و برخی سازهای غربی را در اثر بگنجانم. پیگیر هستیم که این فرمت مدرن از موسیقی را در خارج از مرزها نیز ارائه دهیم و منتشر کنیم. همچنین آماده‌سازی موسیقی برای یک سریال از دیگر کارهای در دست انجامم است که در فضای سینمای خانگی ارائه می‌شود. آگاهی دارید کتابی که با همکاری سوئیسی‌ها تهیه و نهایی و ارائه شد، در شهریورماه، آیین رونمایی‌اش برگزار شد. این کتاب، مجموعه‌ای از ۱۲ قطعه برای پیانوست. چاپ نت‌ها همراه با ۱۲ قطعه عکس مرتبط با مضامین در کنار ۱۲ شعر به زبان انگلیسی چارچوب کتاب را شکل داده که همه آثار با محوریت ایران با نگاهی متفاوت به کشورمان است. از آنجا که حمایت داخلی نداشتیم کتاب را انتشارات شمع و مه لندن منتشر کرد. هنرمند سوئیسی نام‌آشنا دکتر پاتریک رینگن برگ، استاد مطالعات هنرهای اسلامی دانشگاه زوریخ، عکاس مجموعه است که پیش از این در کشورمان چند کتاب از پژوهش‌هایش در ساحت هنرهای اسلامی، ترجمه و منتشر شده. مجموعه‌ای دیگر، مشابه همین محصول مشترک ایران و سوئیس و در همین فضا در دست تهیه داریم، منتها این کتاب جدید بر پایه هشت مؤلفه فرهنگی مشترک میان ایران و مکزیک آماده‌سازی خواهد شد. ملت مکزیک همانند ملت ما تمدن کهن دارند، از نظر خلق‌وخو به ما بسیار نزدیکند مثلا همانند اقوام ایرانی خونگرم هستند و ... این مجموعه هنری ـ فرهنگی، فارغ از هرگونه کلام ارائه خواهد شد؛ موسیقی از آنجا که هنری کاملا تجریدی است، می‌تواند فراتر از واژگان با مخاطبانش ارتباط برقرار کند و برای هر دو ملت قابل درک و دریافت بی‌واسطه باشد.



درگذشت خواننده محلی کهگیلویه و بویراحمد



یک خواننده محلی استان کهگیلویه و بویراحمد، معروف به میرزا در ۳۶ سالگی درگذشت. غلامرضا درجی معروف به میرزا پس از حدود ۱۰ماه تحمل بیماری، دارفانی را وداع گفت. او بامداد یکشنبه ۱۶بهمن ۱۴۰۱ با هوشیاری پایین به بیمارستان شهید جلیل یاسوج منتقل و در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شده بود و پس از ۱۰ماه درگذشت.

مراسم تشییع و خاکسپاری این خواننده کهگیلویه و بویراحمدی ساعت ۱۴ امروز در زادگاهش، سپیدار برگزار می‌شود. غلامرضا درجی، با ۳۶ سال سن و اهل بخش سپیدار شهرستان بویراحمد و از خوانندگان نسل جدید لر زبان بود که طرفداران زیادی داشت. او که در زمینه شاهنامه خوانی شهرت فراوانی داشت، متاهل و دارای دو فرزند پسر ۹ ساله و هفت‌ماهه است.

اعلام خبر درگذشت این خواننده محلی استان کهگیلویه و بویراحمد، واکنش‌های زیادی را در فضای مجازی به دنبال داشت. شمار بسیاری ویدئو و کلیپ از شاهنامه خوانی و خوانندگی این هنرمند به اشتراک گذاشته شده است.

رونمایی از «ردیف موسیقی ایران برای پیانو»

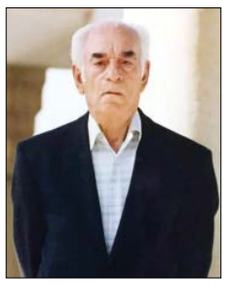

کتاب «ردیف موسیقی ایران برای پیانو» اثر جواد معروفی با تصحیح و بازبینی پویان آزاده در تالار رودکی رونمایی می‌شود.

۱۶آذر مصادف با سی‌امین سالگرد درگذشت زنده‌یاد جواد معروفی (آهنگساز، تنظیم‌کننده و ردیف‌دان موسیقی ایرانی) است که در تاریخ موسیقی معاصر، جریان‌سازی مؤثری در عرصه پیانوی ایرانی داشته است و بر همین اساس کتاب ردیف موسیقی ایران برای پیانو به همت انجمن موسیقی ایران و نشر پیانو با تصحیح و بازبینی پویان آزاده، روانه بازار نشر شده است.

پویان آزاده از شاگردان زنده‌یاد جواد معروفی بوده که علاوه بر فراگیری دانش موسیقایی از این هنرمند از علم اساتید دیگری همچون مصطفی کمال پورتراب، گاگیک بابایان و دلبر حکیم آوا بهره برده است. پویان آزاده سال ۱۳۹۱ پس از تدوین، تحقیق، ارائه و دفاع پرونده پیانوی ایرانی موفق به ثبت ملی نت‌نویسی پیانوی ایرانی و قرارگیری این شیوه در فهرست آثار ملی معنوی ایران شد.

مراسم رونمایی از ردیف موسیقی ایران برای پیانو، پنجشنبه ۱۶آذر از ساعت ۱۳ در تالار رودکی اجرا خواهد شد و ورود برای عموم علاقه‌مندان آزاد است.

اجرای «دلِ تَودار» به یاد اسعد بختیاری



تازه‌ترین اثر از پروژه «تار و تاریخ» به آهنگسازی میدیا فرج‌نژاد با محوریت موسیقی بختیاری ساخته و اجرا شده است. پروژه تار و تاریخ که همواره در مکان‌های تاریخی کشور ضبط می‌شود، قطعه «دلِ تَودار» را در قلعه جونقان در چهارمحال و بختیاری ارائه کرده است. آواز این قطعه را میلاد پولادی خوانده و شعر آن سروده حمزه موسایی است. قلعه جونقان از نقاط دیدنی استان چهارمحال و بختیاری به شمار می‌رود که به دستور سردار اسعد بختیاری ساخته شده است. میکس و مسترینگ آهنگ دل تودار را پویا پایور در استودیو ۵۴ انجام داده و کارگردانی، تصویر و تدوین این موزیک‌ویدئو به‌عهده مرتضی حاج‌محمدی بوده است.

برای دیدن این ویدئو کیوآرکد را اسکن کنید